

مهرآیه‌های گرین وگل اندام

کتابخانه‌های شاهزاده و شاهزاده

www.ketab.ir

گردآورنده: روح‌اله سیف

با مقدمه دکتر احمد کنجوری

سرشناسه	: سیف، روح‌اله، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآور	: مهرایمهای گرین و گل اندام: گزیده اشعار شاعران دلفانی / گردآورنده روح‌اله سیف؛ یا مقدمه احمد کنجوری
مشخصات نشر	: دلفان : قریحه، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۳، ۲۳۲ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۳۴-۰۰۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: گزیده اشعار شاعران دلفانی
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها th century -- Collectionst. Persian poetry -- شعر لکی - مجموعه‌ها Laki poetry -- Collections
شناسه افزوده	: کنجوری، احمد، ۱۳۶۰ - مقدمه نویسی
رده بندی کنگره	: PIR۴۱۹۰
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی	: ۹۳۸۸۹۶۵
اطلاعات رگورد کتابشناسی	: فیبا

عنوان کتاب	مهرایمهای گرین و گل اندام
گردآورنده	روح اله سیف
ناشر	نشر قریحه
مقدمه نویسی	دکتر احمد کنجوری
ویراستار	دکتر احمد کنجوری
صفحه‌آرایی	روح اله سیف
طراحی جلد	سیده زهرا حسینی
نوبت چاپ	چاپ اول
چاپ و صحافی	چاپ دیجیتال سه چاپ
شمارگان	۲۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸ ۶۲۲-۹۰۳۳۴-۰۰۱
بها	۱۲۰۰۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش	۰۶۶۳۳۳۳۳۹۱۹-۰۶۱۶۶۶۰۵۲۵۲
پست الکترونیکی	nash.gharbi@gmail.com

نشر قریحه: لرستان، دلفان، خیابان امام، کوچه شهید کاظمی، کلینیک مهر، طبقه سوم

تلفن: ۰۹۱۶۶۶۰۵۴۵۲-۰۶۶۳۳۳۳۳۹۱۹



۱	مقدمه
۱	ارزانی پور، هستی
۴	الهیاری، مسلم
۹	پورمحمدی، سید کامران
۱۱	پورمحمدی، سیده راضیه
۱۲	پیری سراوری، یعقوب
۱۳	ترکی، مریم
۱۴	جمشید، حاتم زاده
۱۷	حاتم زاده، علی
۲۱	حسینی، جواد
۲۴	حسینی، ساحل
۲۶	حسینی، سیده نسیم
۲۸	حسینی ملک آباد، علی
۳۲	حیدری طب، مصطفی
۳۵	خان حسنی، سیده کبری
۳۶	خدادادی، ستایش
۳۷	خدادادی، علی
۴۱	دهقان، بهرام
۴۴	رحمتی، جنگیز
۴۷	رحیمی، بهزاد
۵۲	رحیمی مرادجان، یوسف
۵۸	رستمی اسدآبادی، ابوالقاسم
۵۹	رضایی، افسانه
۶۰	رضایی، اکرم
۶۴	رضایی، زینب
۶۷	رضایی، فاطمه
۶۸	رضائیان، علی
۶۹	رضائیان، یوسف
۷۱	زارعیان، علی
۸۰	زکی پور، امیر آزاد

۸۳	زمانی فرد، آرزو
۸۴	سبزی خوشنام، محمد
۸۶	سیاهوش، فرزاد
۸۸	سیف، ایلیا
۹۴	سیف، روح‌اله
۱۰۲	شمس، پارسا
۱۰۴	شیخی حسن‌آبادی، کریم
۱۰۶	طهماسبی دهنو، محمد
۱۰۹	عباس‌پور، جهان
۱۱۶	عدالتجو، زهرا
۱۱۷	عدالتجو، علی
۱۱۸	عرفانی، علی
۱۲۰	عزیزیان، محمدتقی
۱۲۲	عزیزی، فرشته
۱۲۳	علی‌پور، معصومه
۱۲۵	عینی، حدیث
۱۲۶	عینی، فریده
۱۳۰	غلامی، بهادر
۱۳۲	فریادی، جعفر
۱۳۹	فلاحی، سامو
۱۴۱	فلاحی، محمدجواد
۱۴۲	قاسمیان، محتبی
۱۴۳	قاسمیان، هانیة
۱۴۴	قیادی، حنیفه
۱۴۵	قیادی، نیما
۱۴۹	قیادی‌پور، مرتضی
۱۵۵	کرمی‌نیا، اکرم
۱۵۶	کرمی‌نیا، زهرا
۱۵۷	کنجوری، احمد
۱۶۱	کنجوری، بیتا
۱۶۲	کیانی برخوردارنشین، مهدی
۱۶۷	محمدی هزاری، خلیل

۱۷۱	محمودیان، فاطمه
۱۷۳	مرادی، فاطمه
۱۷۴	مرادی هزاری، فاطمه
۱۷۵	مقصودی، قاسم
۱۷۶	موسوی، سایه
۱۸۵	مهدوی، حجت‌اله
۱۸۸	موسوی، سید حشمت‌اله
۱۹۱	میرزایی، عزیزاله
۱۹۲	ناصری، علی
۱۹۳	نظریان، تابان
۱۹۴	نظریان، حسین
۲۰۰	نظریان، سروش
۲۰۱	نوروزی کن‌کت، محسن
۲۰۴	نوری، علی
۲۱۵	نوری، دکتر علی
۲۱۷	نوری، همت
۲۱۸	نوریان گندمبانی، محمدرضا
۲۲۳	هادیان، علیرضا

مقدمه

دلفان، از دیرباز خاستگاه شعر و شعور، جایگاه عرفان و دیار مفرغ، بلوط و مهرورزی است. لک‌زبانان دلفانی، شعر و موسیقی را همزاد و همراه خویش می‌دانند. از بدو تولد و حتی پیش از آن، جان و دلشان جایگاه و جلوه‌گاه نغمه‌های موزون و عبارات موسیقایی و طنین سازها و دهل‌هاست. نفس، شاعرانه می‌زیند. روان اهالی دلفان سرشار است از زمزمه‌هایی که نابند و بی‌آلایش. ترنم پریشادخت شعر جان‌بینانه و جهان‌بینانه بویژه با زبان شیرین و کهن لکی، جلوه‌ای دو چندان می‌یابد. ستارگان بی‌شماری در آسمان ادب این دیار درخشیده‌اند؛ پارسایان شاعر و شاعران پارسا، باباها، ملاها و ادیبان بزرگی از پهن‌دشت عرفان خیز دلفان برخاسته‌اند که بسیاری از آنها در محاق ناشناختگی و فراموشی مانده‌اند.

زبان لکی با توجه به دیرینگی آن، دامنه‌واژه‌ها و فراوانی دستان‌زنی (زبان‌زدها و مثل‌ها) زبانی غنی و کم‌نظیر است. لک‌زبانان، گاه و بی‌گاه، در شایه‌سار سیاه‌چادرها در دل بلوطستان‌ها یا زیر سقف خانه‌های کاهگلی، لالایی (لاوه لاوه) سر داده‌اند. قصه‌ها و افسانه‌ها (پاچا) را با بیانی گرم تعریف کرده و شاهنامه (شهنومه) را با لحنی گیرا خوانده و تقالید نموده‌اند. در گردهم‌آیی‌های خانوادگی و شب‌نشینی‌های دوستانه، فال چهل سرو اجرا کرده و چیستان (چیک‌چیک‌که‌ها) گفته‌اند. در سرورها و سورها، ترانه (نارینه)هایی را با موضوعات گوناگون، هم‌خوانی کرده‌اند. شعرهای کار را در هنگام فعالیت روزمره سر داده‌اند. در سوگ عزیزان، تک‌بیت‌ها (مفرداتی) ده‌جایی را که «کلیمه» نامیده می‌شود، با آوازی دیرینه، سوزناک و حزن‌انگیز با نام «مور» (مویه) سر می‌دهند. گاه نیز در کوه و دشت و برزن و بام، کلیمه‌ها بیشتر با محتوای حدیث نفس با آوازی مشابه به نام «هوره» ارائه می‌شود. این‌گونه است که در سخن گفتن لک‌زبانان، زبان گفتار و زبان ادبی، سخت با هم درآمیخته است. شعر و شاعری در بین مردم لک قدمتی به دیرینگی مور و هوره دارد که به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، از نخستین آواهای بشری به شمار می‌روند. با اندک توجهی در گفتار عادی و روزمره مردمان لک‌زبان به خوبی می‌توان رگه‌هایی از شعر و شاعری و کلام آهنگین را یافت. پاره‌های نامیرای وجود دلفانیان در قاب و قالب شعر، ودیعه‌ای است که ما را بر آن می‌دارد که کمر همت ببندیم و به نیت زمزمه‌های شاعرانه و خردورزانه آنان روی آوریم تا آیندگان نیز از این سرچشمه شگرف و همواره جوشان، سیراب و شگفت‌زده شوند.

از گذشته‌های دور، مجالس دوستانه و ادیبانه‌ای برگزار می‌شده است که شاعران در این محافل به طبع آزمایی و سخن‌سرایی می‌پرداخته‌اند. در سال‌های نزدیک‌تر نیز هنر کلامی شاعری با شدت و ضعف در میان اهل دلفان رایج بوده است. عبدالحسین ترابی (اهل زیلوا/ خاوه شمالی) کارمند شهرداری در سال ۱۳۴۹ سرودن سفرنامه‌ای خیالی را در آغاز کرد که نخستین بیتش چنین بود:

بواجم توصیف شرح جان‌کندن روز الوداع وصیت کردن

از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ کسانی همچون جلیل احمدپور در جشن‌ها شعرخوانی می‌کرد. پس از آن علی‌خان علیزاده و حجت‌الله مهدوی (سراینده مجموعه گلریزان) در بین مردم و مجامع نمود بیشتری یافتند که اغلب سروده‌های اجتماعی خود را به زبان لکی می‌سرودند.

در آن روزگار، علی‌خان علیزاده با شاعران کوهدشتی و دلفانی مکاتبه و مشاعره داشت؛ از جمله با شاعرانی همچون: اسدالله امیرپور، جلیل رشیدی، امان رشیدی، سید جهانگیر نوربخش و...

شاعران دلفانی، قبل از انقلاب، اغلب شعر روایی می‌سرودند که بیشتر به صورت بداهه‌گویی و طبع‌آزمایی و در بحر متقارب مثنی محذوف و بحر هزج مسدس محذوف بود. با این حال پیش از انقلاب اسلامی، در دلفان به دلایل گوناگون، انجمن ادبی به معنای واقعی و مرسوم آن شکل نگرفت. بنا به روایت بزرگان و معمرین در شب‌نشینی‌های رسمی و غیر رسمی و مراسم شاهنامه‌خوانی - که پیشینه‌ای دیرینه در بین مردم لک دارد - شاعرانی همچون علی‌خان علیزاده، اسدخوش کلام، درویش پور تیمور، محمود علی‌خان کاظمی، باوه‌کله عباسی، آقا حسین جلالی (پسر فرهاد میرزا که نامش در درگذزار ادب لریستان هم آمده است) درویش‌علی کاوه‌ای و... در دل نوشته‌ها و تراوشات ذهنی خود، خوشی‌ها و ناهوشی‌های زندگی را بیشتر در قالب مثنوی به صورت ده هجایی یا بر وزن (فعولن فعولن فعولن) که شاید به خاطر نزدیکی با وزن شاهنامه حکیم توس در ذهن آنان ایجاد شده بود، در محافل می‌خواندند. گاه درصدد پاسخ‌گویی به شعر یکدیگر نیز برمی‌آمدند و خواسته‌ها و درد دل‌های خود را از طریق سؤال و جواب و نظیره‌گویی‌های شاعرانه با لحن و زبانی جدی یا آمیخته به طنز بیان می‌کردند.

در این میان تحت تأثیر تکبیت‌هایی که از شاعرانشان نام و نشانی باقی نمانده است و در فال‌گیری‌های شبانه موسم به «چهل سرو» ورد زبان پیر و جوان بود، تکبیت‌هایی سروده می‌شد. گاه نیز دوبیتی‌هایی بر مبنای اشعار بابا طاهر در بحر هزج مسدس محذوف آفریده می‌شد که در بین مردم دهان به دهان می‌گشت. افراد خوش‌ذوقی همچون شیخ احمد رشیدی و گلمراد نوری که حافظه‌ای قوی داشتند، این اشعار را حفظ و به عنوان راوی برای مردم نقل می‌کردند.

در سال ۱۳۶۱ جهاد سازندگی استان شعرای مناطق را برای شعرخوانی با موضوع انقلاب اسلامی فراخواند که از دلفان، مرحوم علی‌خان علیزاده و حجت‌الله مهدوی و اسدخوش کلام شرکت نمودند. شعرای مذکور علاوه بر کسانی چون درویش پور تیمور و جوزعلی مقصودی و رضا حاتمی در مناسبت‌های گوناگون، در مراسم ارگان‌ها و بویژه در کتابخانه ارشاد و مدارس شعر خوانی را ادامه دادند.

بعد از انقلاب اسلامی، به همت سید حشمت‌الله موسوی و دکتر علی‌عباس رضایی که از نخستین دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی شهرستان دلفان بودند و در کسوت معلمی در شهرستان دلفان فعالیت ادبی داشتند- نخستین حلقه‌های رسمی و دوره‌های شاعرانه با همکاری امور تربیتی وابسته به اداره آموزش و پرورش شکل گرفت.

در نخستین جلسه‌ای که به همت دکتر علی‌عباس رضایی در محل کتابخانه عمومی، واقع در کوچه شهید حیدر کاظمی با هدف آموزش شاعران جوان برگزار شد، دکتر رضایی، سخنرانی را با رباعی حافظ آغاز کرد:

گر همچو من افتاده این دام شوی ای بس که خراب باده و جام شوی

ما عاشق و رند و مست و عالم سوزیم یا ما منشین و گرنه بد نام شوی

در نهایت از دل این دور همی‌های شاعرانه انجمنی موسوم به «بابا طاهر» شکل گرفت. جلسات «انجمن باباطاهر» در نیمه‌های دهه شصت، بیشتر در مناسبت‌ها، در پی دعوت از اعضا و اعلام از طریق بلندگو در سطح شهر، به صورت شبانه در مساجد برگزار می‌شد. این شب شعرها ابتدا در مسجد جامع و بعدها در مسجد امام حسین تشکیل شد و معمولاً یخشدار، امام جمعه یا امام جماعت و رؤسای ادارات شهر نیز در آن شرکت می‌کردند. در این جلسات، شاعران پیش‌کسوتی همچون جلیل احمدپور، علی‌خان علیزاده، جوزعلی مقصودی، درویش پور تیمور، محمودولی خان کاظمی، عبدالحسین ترابی (کارمند شهرداری)، درویش‌علی کاوه‌ای، اسد خوش کلام، محمد قبادی، نصرت‌الله خاکیان، رضا حاتمی و... سخنرانی می‌کردند. در کنار آنان شاعران جوانی همچون بهادر غلامی (با تخلص دبیر)، جهان عباسپور (متخلص به پریشان)، همت نوری، قاسم مقصودی، علی احمدپور، حسین نظریان (متخلص به عزیز دلفان)، قاسم‌علی قبادی، دکترعلی نوری، کریم شیخی، فاطمه مرادی و... نیز در جلسات انجمن، سروده‌های خود را می‌خوانده‌اند. در این نشست‌ها مرسوم بوده است که آثار بررسی و در همان جلسه به سه نفر از شاعران برگزیده جوایزی اهدا شود. از نویسندگان نیز جعفر مردانی گاه‌گاه در جلسات انجمن ادبی، مقاله‌ای یا متنی ارائه می‌کرده است.

جلسات انجمن ادبی باباطاهر بر همین منوال برگزار می‌شده تا اینکه در اثنای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ به علت اختلاف نظری که به خاطر داوری سروده‌ها، بین گردانندگان انجمن و برخی از شاعران جوان پیش آمده، برخی از شاعران از انجمن باباطاهر کناره‌گیری کرده‌اند و با دل‌سردی گردانندگان، از رونق جلسات انجمن کاسته شده است.

قاسم مقصودی در سال ۱۳۷۰ و همزمان با ادامه فعالیت انجمن باباطاهر در کتابخانه عمومی، با حکمی از رییس اداره آموزش و پرورش دلفان، مسئول «کانون شعرا امور تربیتی» شد. به همت اعضای این انجمن، مجموعه‌ای از شعر شاعران گردآوری و در شش نسخه با ماشین تحریر حروف‌چینی و در مجلدهای چرمی تدوین گردید.